

آبگرمکن، یخچال، فریزر، اجاق گاز و اشیای بلند و بسیار سنگین باید با بست یا تسمه‌های مناسب به کف و دیوار منزل محکم شوند.

نقل قول



آندرس اینیستا در آستانه آخرین جام جهانی زندگی اش

«این جام جهانی، آخرین تجربه خاص و متفاوت من است. می‌خواهم جام جهانی پیش را از یاد ببرم. این نخستین بار من نیست. جام جهانی چالش بسیار خوبی است اما من خسته شده‌ام و سعی می‌کنم که از هر لحظه جام لذت ببرم. باید این لحظه‌ها را ببینم چون تا پایان عمر در یادم خواهد ماند.»

گپی با چند جوان که مهمترین رویداد جهان برایشان هیچ است

جام جهانی چه کی هست؟



امیر هافتی نیا
روزنامه‌نگار

بازی مهم ترک می‌کردند. تنها ساز مخالفان برای تعطیلی کلاس من بودم. راستش اصلا جایی نداشتم که بروم. آن وقت‌ها نه عاشق بودم، نه خانواده‌ام در تهران زندگی می‌کردند. دانشگاه برایم پناه شده بود خیلی اوقات به خاطر بی‌ذوقی ام نسبت به فوتبال و حاشیه‌هایش ملامت می‌شدم: «مگه میشه نود نینبی؟»، «تو اینجوری میخوای بگی متفاوتی اما توی خلوت همه بازیارو نگاه می‌کنی». گذشت و گذشت تا گذرم به انزلی افتاد. گرفتار آدم‌ها و خیابان‌هایش شدم. با آنها زندگی کردم. آن قدر در چایخانه‌هایش چای و املت خوردم که شیفته ملوان و سپروس قایقران شدم. حق داشتم! هر کس یک هفته در انزلی بماند، عاشق ملوان می‌شود. بازی قوهای سپیدر از شبکه باران پیگیری می‌کردم و برای برد انزلی چی‌ها آرزو، انگار، همه ما، روزی، جایی، باید به فوتبال دل می‌بستم. حالا می‌بینم فوتبال دوست نداشتن و فوتبالی نبودن، مختص من یکی نیست. حلیه و مریوم آری‌ن و نازنین و مهدی و افسانه هم علاقه‌ای به اتفاق‌های مستطیل سبز ندارند:

امیر هافتی نیا | خیالشان هم نیست؛ نه تبی و نه تابی. سرشان در لاک خودشان فرو رفته لاک پشت نیستند، اما کاری به بازی‌های فوتبال جام جهانی ندارند؛ آن قدر که آدم حسرتش را می‌خورد. خونسردی برای من یکی که یعنی «حسرت». بچه که بودم آلبومی از دروازه‌بانان داشتم. آلبوم، هدیه سال‌های مدرسه بود؛ پر از جلاور و تالبور کان و دیوید سیمون و پیترو اشما بکل. گفتم اشما بکل؛ او قهرمان کودکی من بود. اشما بکل، من را سمت دانمارک و فرهنگ مردمش کشاند. اشما بکل من را منجستریونایتدی کرد؛ آن قدر که مشکل بینایی پل اسکولز اعصابم را به هم می‌ریخت. بعدتر فوتبال از چشمم افتاد؛ نه خبری از آلبوم بود و نه از هیجان؛ باشگاهی و ملی‌اش هم فرقی نداشتم؛ ایرانی و خارجی‌اش هم همین طور. کلا فلامتم نبود. تمام دوستان دانشکده کلاس‌ها را برای رویت فلان

مریم، ۲۶ ساله:

۳

نظری درباره شروع بازی‌ها ندارم

- بازی‌های ایران چه ساعت و روزیه؟ نمی‌دونم.
- رقیب‌های ایران رومی شناسی؟ آره.
- زمان برگزاری بازی‌های ایران چی کار می‌کنی؟ نمی‌دونم کجام، ولی هر جا باشم قطعا به فوتبال و بازی‌ها هیچ ربطی ندارم.

مریم تا به حال حتی یک بار هم بازی فوتبال را از ابتدا تا انتها ندیده، شاید تنها چند ثانیه به بازی نگاه کرده باشد، برای همین هیچ فوتبالی را به خاطر ندارد. او مجموعاً ۱۰ بازیکن ایرانی و چهار بازیکن خارجی را می‌شناسد: «اسم این آمارو توی اخبار ورزشی شنیدم». آغاز بازی‌های جام جهانی هیچ اهمیتی برای او ندارد: «اصلاً وقت نمی‌ذارم که ببینم. واقعا نظری درباره شروع بازی‌ها ندارم. فوتبال نه تنها برایم جذاب نیست، بی‌معنی هم هست». مریم می‌گوید بازی فوتبال و همین‌طور فوتبالیست‌ها نمی‌توانند ارتباط برقرار کنند: «همیشه از فوتبال صحنه خشونت و دعوا و بی‌ادبی توی ذهنم هست؛ هم از بازیکنان و هم از طرفداران.»

مهدی، ۲۵ ساله، کارشناس ارشد معماری:

۵

جامی که توش «روز به پوگبا» باشه رو نباید دید

- بازی‌های ایران چه ساعت و روزیه؟ نمی‌دونم.
- رقیب‌های ایران رومی شناسی؟ مراکش، پرتغال و اسپانیا.
- زمان برگزاری بازی‌های ایران چی کار می‌کنی؟ شاید دفتر کارم باشم.

مهدی ناظر پروژه راه آهن همدان - سنندج و فوتبالی است. او مدتی به دلیل کارش در اهواز زندگی می‌کرده: «خوزستانیا به شدت فوتبالی‌اند. برای همین منم فوتبال میدیدم و برام حساس شده بود». مدل عدم اشتیاق مهدی برای آغاز بازی‌های جام جهانی کمی متفاوت است. او پرسپولیس دو آتشه است و برای همین، دل خوشی از ترکیب تیم ملی ندارد: «شروع جام جهانی برام ارزشی نداره. چون این مربی تیم ملی از روی عقده سید جلال رو نبرده؛ آقای گل ایرانو نبرده. ته تهنش شاید فینال رو ببینم. اصلاً جام جهانی‌ای که توش روز به پوگبا باشه رو نباید دید.»

ارین، ۱۸ ساله، دانش آموز:

۴

جام جهانی یک نمایش بورژوازی است

- بازی‌های ایران چه ساعت و روزیه؟ نمی‌دونم.
- رقیب‌های ایران رومی شناسی؟ نمی‌دونم، برام مهم نیست.
- زمان برگزاری بازی‌های ایران چی کار می‌کنی؟ نمی‌دونم، شاید سفر باشم.

ارین در رشته انسانی و در مقطع پیش دانشگاهی تحصیل می‌کند. آدم فوتبالی‌ای نیست. آخرین بازی‌ای که دیده، ایران و آرژانتین بوده: «حقیقتاً نظر خاصی در مورد جام جهانی ندارم. عین این می‌مونه که دارن از یه فیلم هالیوودی سرگرم کننده رونمایی میکنن. هیچ اهمیتی نداره، شاید صد کمی بازی‌های ایران برام اهمیت داشته باشه. اگه بیکار باشم به اجبار نگاه می‌کنم.» او اصلاً خبرهای جام جهانی را پیگیری نمی‌کند و می‌گوید هیچ وقتی برای تماشای بازی‌ها نمی‌گذارد: «این همه هیجان فقط برام تداعی کننده حماقت جمعیه. جام جهانی چیزی فراتر از یک نمایش بورژوازی نیست. رسالت فوتبال با ورزش، تندرستی و نشاطه؛ ولی چیزی که ما به عنوان فوتبال می‌شناسیم، رقابت بر سر سرمایه است.»

نازنین، ۲۶ ساله، کارشناس تولید محتوا:

۶

زن هادر جام جهانی نقشی ندارد

- بازی‌های ایران چه ساعت و روزیه؟ نمی‌دونم.
- رقیب‌های ایران رومی شناسی؟ اگه اشتباه نکنم مراکش، پرتغال و اسپانیا.
- زمان برگزاری بازی‌های ایران چی کار می‌کنی؟ هیچ ایده‌ای درباره ساعت برگزاری بازی‌ها ندارم و در مورد اختلاف ساعتون با روسیه هم سرچ نکردم. اگه بازی تا ۵ و ۶ باشه، که خب سرکارم و اونقدر برام جذاب نیست که بخوام زودتر بپام خونه بازیرو ببینم. اگه هم شب باشه که مثل وقتای دیگه مشغول کاری خودم. نیمه‌شب هم که حتما خواب رو ترجیح می‌دم.

نازنین کارشناس تولید محتوا است. آخرین باری که فوتبال دیده، احتمالاً به یکی از دربی‌های تهران بر می‌گردد. فوتبالیست‌ها را نمی‌شناسد. آنهاپی‌همی هم که در ذهنش مانده به خاطر تکرار از طرف دوستانش بوده و نوجوانی‌اش که در یک بازه کوتاه فوتبال نگاه می‌کرده: «جام جهانی کلا ایونت جذابه. از این جهت که به رقابت بزرگ جهانیه و از همه جای دنیا جمع می‌شن که بازیارو دنبال کنن و این حرفا. اما برای شخص من اهمیت چندانی نداره. به چند دلیل: یک این که کلا فوتبالی نیستم. دو این که ایران هیچ وقت شانس زیادی برای صعود نداشته و همیشه همون اول حذف شدیم و عملاً از نظر من شرکت کردنمون بی‌معنی، البته از نظر منی که نه فوتبالی‌ام و نه اطلاعات درست درمونی راجع بهش دارم بی‌معنی. و سوم هم این که تا الان این موقعیت رو نداشتم بازیارو از نزدیک ببینم، از تلویزیون تماشا کردن هم برای من که کلا بی‌میل به این ماجرا، خیلی جذاب نیست.»

نازنین می‌گوید: «جام جهانی هر چند که تعداد قابل توجهی دنبال کننده خانم داره، اما عملاً زن‌ها توش نقشی ندارند، که اینم از جذابیتش برام کم می‌کنه. اگه به ایونت هنری یا ادبی به این وسعت برگزار می‌شد، حتما برام جذاب تر بود و دنبال می‌کردم.»

RUSSIA 2018

افسانه، گرافیکست:

۲

جام جهانی چه دردی از مردم دوامی کنه؟

- بازی‌های ایران چه ساعت و روزیه؟ نمی‌دونم.
- رقیب‌های ایران رومی شناسی؟ رقیبارو نمی‌شناسم جز اسپانیا.
- زمان برگزاری بازی‌های ایران چی کار می‌کنی؟ اگه بتونم با دوستانم جمع می‌شیم و بازی اسپانیا رو می‌بینم، اگه نه یا تئاترم یا گالری یا سینما یا در حال تمرین موسیقی یا باشگاهم یا خوابم.

افسانه لیسانس هنر دارد و گرافیکست است: «فوتبالی نیستم. همیشه هم طرفدار تیم برنده بودم و توی هر چیزی نتیجه برام مهمه فقط. توی فوتبال فقط نتیجه مهمه. هر تیمی از هر کشوری باشه. فوتبال نمی‌بینم. گاهی فقط به دلیل لذت دورهم بودن با دوستانم.» او بازی‌های اسپانیا را به دلیل علاقه به زبان این کشور دنبال می‌کند. حتی گاهی از زبان گزارشگر اسپانیایی فوتبال می‌بیند. افسانه می‌گوید: «هیچ نظری درباره شروع شدن یانشدن جام جهانی ندارم چون ذهن مشغولی‌های مهمتری واسه مردم و کشور می‌بینم. هر چند معتقدم پیشرفت توی هر قسمتی بی‌تاثیر نیست. اولاً که ایران نمی‌بره. اگر ببره درد از مردم عادی کشور که حتی آرزوی ثبت‌نام تابستونی توی یه زمین چمن معمولی در اطراف تهران دارن رو دوامی کنه.»

حلیه، کارشناس ارشد مطالعات رسانه:

۱

حالا این همه تب و تاب را کمتر درک می‌کنم

- بازی‌های ایران چه ساعت و روزیه؟ نمی‌دونم.
- رقیب‌های ایران رومی شناسی؟ می‌دونم کیهستن اما نمی‌شناسمشون.
- زمان برگزاری بازی‌های ایران چی کار می‌کنی؟ احتمالاً توی جمع خانواده یا دوستام باشم. حتی اگه برام جالب نباشه، چون یه عده دور هم جمع شدن بهشون اضافه می‌شم.

حلیه فوتبالی نیست. یادش نمی‌آید آخرین بار چه بازی‌ای را دیده: «ممکنه گذری دیده باشم. مثلاً فوتبال تیم‌های باشگاهی ایران یا باشگاه‌های آسیا. اونم در حد چند دقیقه آخر.» او در نوجوانی اما عشق فوتبال بوده: «پولونیا و لاتزیو رو ۱۱ شب هم که نشون می‌داد می‌دیدم. حالا همه اون بازیکنان باز نشسته شدن.»

اسم بازیکنان ایرانی‌ای که در ذهن حلیه مانده، آنهاپی‌اند که حاشیه غیر فوتبالی داشته‌اند. مثلاً مهدی طارمی: «اگه کسی رو بشناسم به خاطر شاخ اینستا بودنش، نه فوتبالیش.» جام جهانی یعنی روشن بودن مداوم تلویزیون و صدای پرهیجان گزارشگر. اینها دقیقاً همان چیزهایی است که روی مخ حلیه می‌رود: «سروصدای آدم‌ها برام خوشحال کننده نیست. بعید می‌دونم بشنیم بازیارو ببینم. شاید چیزی که برام جالب باشه، تکنولوژی‌های جدیدیه که داره استفاده میشه؛ مثلاً حذف کمک‌داورها، واقعیتش، این همه تب و تاب رو الان کمتر درک می‌کنم.» حلیه می‌گوید ماجرای فوتبال با بحث ملیت گره خورده، اما وقتی او بحث‌های ملی را از کنار می‌گذارد، دیگر متوجه هیجانش نمی‌شود: «کنار فوتبال اما درجه شناخت برام ایجاد شده. مثلاً اون وقتا که فوتبال می‌دیدم، به نظرم منجستری سیمی بود که چندتا بازیکن زیاد پرست داشت. همین باعث شد که توی نوجوانی با مفهوم نژادپرستی آشنا بشم.» برای حلیه مهم نیست که چه کسی قهرمان جام جهانی می‌شود: «این مسأله به‌طور مستقیم و حتی غیرمستقیم تأثیری روی زندگی من نداره. برای من فوتبال مجرای جذابیت و اهمیت نیست. فوتبال در روزمره تأثیری نمی‌گذاره، یعنی دغدغه‌هایی که من دارم اون جامعیتی پیدا نمی‌کنه.»

